روزنامه شرق

سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۰۶۸ ■ شماره ۱۴۴ دوره جدید ■ چهارشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۸۹ ■ ۱۳ شوال ۱۴۳۱ ■ ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ - **نمابر:** ۸۸۶۷۷۴۶۹

توزیع: شرکت نوآوران جهان‌رسانه ایرسا - **تلفن:** ۸۸۸۲۲۳۹۰

امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق

چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ **تلفن ۷** - ۶۶۸۲۲۳۴۶

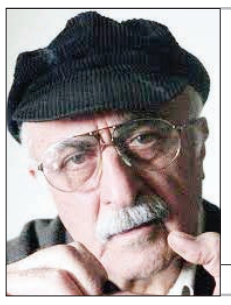

شیردل رئیس جشنواره فیلم‌های ایرانی

ایسنا: کامران شیردل رئیس هیات انتخاب جشنواره فیلم‌های ایرانی در لندن شد. دیگر اعضای هیات انتخاب و داوران را در بخش فیلم مجتبی میرطهماسب، زوران ولیکوویچ و پاتریک تاکر تشکیل می‌دهند. در بخش هنرهای تصویری و تجسمی نیز سیف‌الله صمدیان و حسین خسروجردی داوری و انتخاب را برعهده دارند. فیلم‌های شرکت‌کننده که از میان بهترین‌های مستند، کوتاه و بلند داستانی تولیدشده طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ انتخاب شده‌اند در تهران و لندن داوری خواهند شد. جشنواره فیلم‌های ایرانی که اولین دوره خود را برگزار می‌کند ۱۹ نوامبر (۲۸ آبان‌ماه) در لندن افتتاح خواهد شد و به مدت یک هفته به نمایش آثار برگزیده می‌پردازد.

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۷ اذان مغرب ۱۸:۲۰ اذان صبح فردا ۴:۲۹ طلوع آفتاب ۵:۵۳

آخر

شهرشلوغ

سرشکی که بر این خاک فشاندیم

جواد طوسی

هفته «دفاع مقدس» را پیش رو داریم. دلم می‌خواهد در این فرصت فضایی ایجاد کنم تا افرادی که شروع جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۵۹ را به یاد دارند، فلاش‌یکی به آن روزها بزنند و خود را در آن موقعیت قرار دهند. حتماً می‌گویید «مگر مریضی که می‌خواهی آن روزهای تلخ را دوباره به یادمان بیاوری؟ جنگ در هر شرایطی، اتفاق خوبی نیست و به جز ویرانی و مرگ، چیزی ندارد.» اما یادآوری آن روزهای مقاومت و همبستگی در این دوران فترت و انفعال و جداافتادگی، می‌تواند ناخودآگاه ما را ملزم به مقایسه فضا و حس و حال دو دوره کند تا زیاد خوش به حال‌مان نباشد. تصور کن که شب می‌خوابی و صبح بلند می‌شوی و می‌بینی به خاک سرزمینت تجاوز شده و بخشی از این جغرافیا، دیگر به ما تعلق ندارد. اینجاست که غیرتمندانه باید نشان دهی ایران هنوز مرز پرگوهری است که مردمانش به این همسرایی دلخواه اعتقاد دارند: «دور از تو اندیشه بدان/ پاینده مانی و جاودان». شروع مصیبت‌بار جنگ را که با شور و همدلی عمومی آمیخته بود، زنده‌یاد «احمد محمود» در فصل اول داستان «زمین سوخته»ش این گونه توصیف می‌کند: «صدای رادیو مهدی پاپتی یک لحظه قطع می‌شود و بعد یکی از مسوولان مملکتی به آرامی بنا می‌کند به حرف زدن. یکی از جوان‌ها به مهدی می‌گوید صدای رادیو را بلندتر کند. رستم افندی ته قهوه‌خانه خوابیده است. کل شعبان، بقال محل، آن سر میدان از دکانش می‌آید بیرون و به طرف قهوه‌خانه نگاه می‌کند. مسوول مملکتی می‌گوید عراق قرارداد الجزیره را یکطرفه نقض کرده است و امروز چند دقیقه بعد از ساعت دو بعدازظهر، هواپیماهای عراقی بی‌هیچ اخطار قبلی به کشور ما تجاوز کرده‌اند و فرودگاه‌های تبریز، همدان، دزفول، اهواز و همچنین فرودگاه مهرآباد تهران را بمباران کرده‌اند. یکی از جوان‌ها با مشت می‌کوبد به پیشانی و با صدایی خفه می‌گوید: «بیشرفا!...» غروب، چراغ‌های شهر روشن نمی‌شود. مردم انگار که از زمین جوشیده باشند از خانه‌ها بیرون ریخته‌اند. صدای رادیوها بلند است. انگار که هجوم هواپیماهای عراقی به کشور مردم را به همدیگر نزدیک کرده است. همه بی‌هیچ آشنایی قبلی با گرمی از همدیگر استقبال می‌کنند و هیجان‌زده از جنگ حرف می‌زنند و از دفاع و از کوبیدن دشمن...» در شرایطی به سر می‌بریم که رجعت به آن رشادت‌ها، سلحشوری‌ها و پایمردی‌های هشت‌ساله به یک نوستالژی تبدیل شده است. دستاورد آن دوران لاله‌گون و ریشه‌یافته در تاریخ معاصر، طلایه‌داران گمنام و شناخته‌شده‌ای هستند که فارغ از هرگونه دغدغه‌ها و مرزبندی‌های روشنفکرانه باید در برابر شخصیت مقاوم و خالی از تعلق‌شان سر تعظیم فرود آورد و مومنانه گفت: «متبرک باد نام‌تان.» این است یکی از همان تصاویر واقعی این اسطوره‌های ماندگار: «پیک خبر آورد که حسین اسماعیلی رفته روی مین. بچه‌های اطلاعات، راه را اشتباه نشان داده بودند. حسین که سرستون بوده باید صد متر از بقیه جلوتر حرکت می‌کرده، می‌افتد وسط میدان مین. نه راه پس داشته، نه راه پیش. پای قطع‌شده‌اش به یک پوست وصل بوده. عراقی‌ها هم که تا آن موقع با خیالی خوش تو سنگرهایشان لمیده بوده‌اند، می‌ریزند بیرون و می‌آیند بالای خاکریز؛ اما سیاهی شب نمی‌گذاشت دو طرف همدیگر را ببینند. هر دو طرف، نفس‌هایشان تو سینه حبس بوده. فکر می‌کرده‌اند شاید یک کلاغ خورده به موانع و مین منفجر شده. دو سه تا منور می‌زنند و چشم‌هایشان همدیگر را می‌بیند. همان موقع حسین کاردش را درمی‌آورد، پایش را می‌برد و پرت می‌کند آن طرف‌تر. پا می‌افتد روی یک مین دیگر و منفجر می‌شود. حسین چهار تا داد سر بچه‌ها می‌زند.

– پاشید... چرا نشسته‌اید نگاه می‌کنید؟

منورها می‌ترکد و همه‌جا مثل روز روشن می‌شود. بچه‌ها جاکن می‌شوند و می‌ریزند تو کانال. آنجا برای چندمین بار تیر دست علی زاکانی را می‌شکافد. ردیف اولی‌ها ده، پانزده نفر بوده‌اند که همه می‌خوابند[1] باقی بچه‌ها می‌روند آن طرف و می‌افتند رو. مردانه حمله می‌کنند و کار را به دست می‌گیرند...»[2] در این روزمرگی کسالت‌بار و دنیای هویت‌باخته و پررنگ و ریا و حجم انبوه صورتک‌هایی که مهمانان دائمی یک بالماسکه احمقانه شده‌اند، یاد کردن از مردان دریادلی چون حسن باقری، مهدی باکری، محمدابراهیم همت، حسین خرازی، مصطفی چمران، علی‌اکبر شیرودی، عباس بابایی، احمد متوسلیان و... ادای دینی ناچیز است. جا دارد در کنار فیلمسازانی چون ابراهیم حاتمی‌کیا، عزیزالله حمیدنژاد، احمدرضا درویش، کمال تبریزی و احمد مرادپور که به سینمای جنگ ما هویت و اعتبار بخشیدند، یادی از یکی از تاثیرگذارترین فیلمسازان این عرصه کنیم که جای او این روزها در میان‌مان بسیار خالی است. جایگاه قرص و محکم زنده‌یاد «رسول ملاقلی‌پور» را در ژانر «سینمای جنگ» با فیلم‌های «پرواز در شب»، «سفر به چزابه»، «نجات‌یافتگان»، «هیوا» و «مزرعه پدری» نمی‌توان منکر شد. او تنها فیلمساز جنگی ماست که با تکیه بر حس غریزی خود، شکستن و رفت و برگشت زمان در فضا و محیط جبهه و جنگ را به یک سبک بصری چشمگیر تبدیل کرد. «سفر به چزابه» از این حیث یک نمونه درخشان و استثنایی است که به جرات می‌توان از آن به عنوان بهترین فیلم جنگی سینمای دفاع مقدس نام برد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- شهید می‌شوند و می‌افتند. ۲- کوچه‌نقاش‌ها، خاطرات سیدابوالفضل کاظمی، گذر پانزدهم، صص ۴۵۸ و ۴۵۹، انتشارات سوره مهر.

هفته دفاع مقدس: **ادبیات**

ادبیات دفاع، بخشی از ادبیات جنگ است

مجید قیصری

داستان از همین نام «ادبیات دفاع» و «ادبیات جنگ» آغاز می‌شود. هنوز که هنوز است ما میان این دو تفکیک قائل نمی‌شویم. ادبیات دفاع در واقع ژانری از ادبیات جنگ است. گونه‌ای از ادبیات جنگ است. ادبیات جنگ خود به زیرمجموعه‌هایی تقسیم می‌شود که ادبیات دفاع بخشی از آن است. مثلاً ادبیات مهاجرت بخش دیگری از ادبیات جنگ است، یا ادبیات مربوط به معلولان و ... پس ادبیات دفاع تمام ادبیات جنگ نیست. متاسفانه امروزه، ادبیات دفاع را تمام ادبیات جنگ معرفی می‌کنند. با چنین رویکردی است که بخش‌هایی که مربوط به ادبیات دفاع نیست، کنار گذاشته می‌شود و دیده نمی‌شود. تنها موضوعی که بر آن تمرکز می‌کنیم، خاکریزها و وقایع خود جنگ است و به پشت خاکریزها و حوادثی که تحت تاثیر جنگ رخ داده بی‌توجهی می‌شود. جنگ پدیده‌ای است که پهنه آن تا به امروز هم کشیده شده است و به چنین پدیده‌ای نمی‌توان تنها در یک بعد نگریست. وقتی ادبیات جنگ را تنها منحصر به دفاع می‌کنیم، در حقیقت خواستار آنیم که مسائل دیگر دیده نشود. این نکته قابل قبول است که تنه اصلی ادبیات جنگ به دفاع اختصاص دارد اما این به معنای آن نیست که تمامی‌اش دفاع است. پایداری و دفاع بخش عظیمی از ادبیات جنگ است، اما تمامی آن نیست. داستان‌ها و رمان‌های بسیاری منتشر شده که به وجوه دیگری از ادبیات جنگ به غیر از دفاع می‌پردازند. نخستین رمانی که پس از آغاز جنگ ایران و عراق نوشته شد و دست بر قضا به مضمون جنگ پرداخته بود، «زمین سوخته» اثر احمد محمود است. این اثر گزارش‌گرایانه و رئالیستی، حاصل تجربه نویسنده از حمله دشمن به شهر اهواز است. در کنار این باید از علی‌اصغر شیرزادی با برخی از داستان‌های کوتاهش نام برد. شیرزادی به ویژه در نخستین رمان جنگی خود، «هلال پنهان»، می‌کوشد به شیوه‌ای مدرن اثری در ژانر ادبیات جنگ بیافریند. همچنین باید از «آواز نیمه‌شب» داوود غفارزادگان نام برد. در تمام این آثار یا آثار مشابه دیگر، ما با مصائب و سختی‌های جنگ و نیز دشواری‌هایی که خانواده‌های جنگ‌زده به خاطر جنگ متحمل شده‌اند، آشنا می‌شویم. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، تفاوتی است که میان ادبیات تجاوزگر و ادبیات دفاع وجود دارد. عراق تا زمانی که به کشورمان حمله می‌کند، تجاوزگر است و آن ادبیاتی که در آنجا رشد می‌کند و نوشته می‌شود، ادبیات تجاوزگر خوانده می‌شود. ادبیات آلمان و ژاپن نیز چنین بودند. آنها آغازگر جنگ بودند. اما از زمانی که امریکا به عراق حمله می‌کند، ادبیاتی که در عراق شکل می‌گیرد، ادبیات دفاع است. پس تفاوتی است میان ادبیات حمله‌کننده و دفاع‌کننده. ادبیات جنگ ویژگی‌های خاص خود را دارد که در همه‌جا یکسان است. البته با توجه به اینکه هر کشوری جغرافیا، زبان و فرهنگ ویژه خود را دارد، آثاری که در ادبیات جنگ نوشته می‌شود نیز از ویژگی‌های خاصی بهره‌مند می‌شود. مثلاً سربازهایی که در ادبیات جنگ امریکا از آن صحبت می‌شود با سربازهای ایرانی، متفاوت است. برخی از رفتارهای سربازهای امریکایی در سربازان ایرانی دیده نمی‌شود چراکه در فرهنگ ایرانی وجود ندارد. در آخر باید اشاره‌ای هم به ویژگی‌های رمان داشت. هر نوشته‌ای رمان نیست. وقتی در کتابی از واقعیت گفته می‌شود زمان‌ها و مکان‌ها واقعی هستند و نویسنده‌اش در مرز واقعیت حرکت می‌کند. چنین نوشته‌ای نمی‌تواند عنوان رمان به خود بگیرد. بهترین نمونه کتاب «دا» است. «دا» رمان نیست بلکه زندگینامه نویسنده‌اش است. بخشی از تاریخ است که بدون ذره‌ای از تخیل نویسنده‌اش نوشته شده است.

آخرین پیشنهاد: **از کتابی در باب اثبات خداوند تا عکس‌های تماشایی**

عادت دیرینه کتاب خواندن

بهاءالدین خرمشاهی

این روزها مشغول کار روی چندین و چند پروژه هستم که به احتمال زیاد در ماه‌های آتی تحویل ناشر می‌دهم. کتابی به نام «ترجمه‌کاوی» را چند ماهی است که آغاز کرده‌ام که تا امروز به نتایج جالبی رسیده‌ام. در واقع در این اثر مشغول بررسی چند و چون اصول ترجمه در طول یک هزار سال گذشته هستم و بیشتر تاکیدم روی متون عربی و انگلیسی است. سعی کرده‌ام در این اثر به مسائل مربوط به فن ترجمه، امانتداری و سبک و سیاق مترجم بپردازم. این کتاب را برای نشر به انتشارات ناهید خواهم سپرد. در کنار این روزها مشغول بازنگری «خودنوشت» خودم هستم که یک دهه پیش از سوی نشر «قطره» منتشر شده بود. به هر حال چند سالی از انتشارش گذشته و لازم است حداقل یکی دو فصل برای دوازده سالی که گذشته به آن اضافه کنم. عنوان این کتاب «فرار از فلسفه» بود که دوباره با همان عنوان تجدید چاپ خواهد شد.

در میانه این کارها و تالیف‌ها و ترجمه‌ها، مطالعه بخش اعظمی از زندگی روزمره من است. با این حال کتاب خواندن اهل قلم کمی با خوانندگان و عاشقان کتاب متفاوت است. بخشی از این مطالعه برای تالیف و کار است و چندان بی‌شائبه هم نیست. مدام به دستم کتاب می‌رسد. دوستان جوان و ناشران برای نقد و نظر کتاب‌هایشان را برایم می‌فرستند و باید همه اینها را خواند.

با این حال گاهی وقت‌ها فرصتی دست می‌دهد و این کتاب‌خواندن‌ها به سلیقه و علاقه خودم پیش می‌روند. همین چند وقت پیش خبر انتشار کتابی را در آن سوی آب‌ها شنیدم به نام «خدا وجود دارد» که به دوستی سفارش دادم تا به دستم برساند. اثر بی‌نظیری است که از خواندنش سر ذوق آمدم. نویسنده این اثر «آنتونی فلو» نزدیک به نیم قرن در محافل دانشگاهی و کتاب‌های متعدد بر رد وجود خداوند تاکید داشت و معتقد بود خداوند ساخته و پرداخته ذهن بشر است و اما حالا در این اثر از تمام مواضع پیشین خود عقب‌نشینی کرده و گفته است با این طرح و تدبیری که جهان دارد محال است جز خداوند پدیده دیگری در شکل‌گیری عالم هستی نقش داشته باشد. متاسفانه این روزها فراغت و توان چندانی برای ترجمه چنین اثری ندارم، اما امیدوارم به زودی مترجمی فاضل و فرزانه برای ترجمه این اثر اقدام کند تا به این ترتیب خواننده ایرانی هم از خواندنش لذت ببرد. اما نکته اصلی اینجاست که به نظرم مترجمی تا سراغ ترجمه «خدا وجود دارد» می‌رود باید حتماً به علم فلسفه آشنایی داشته باشد، در غیر این صورت از عهده ترجمه آن برنمی‌آید. در کنار همه کتاب‌هایی که در زمینه ترجمه و فن ترجمه برای تکمیل کتاب «ترجمه‌کاوی» مطالعه می‌کنم، چندی پیش کتابی به دستم رسید که به نظرم خواندنش برای هر ایرانی مسلمانی واجب است. عنوان این اثر «اندوخته خداوند» است؛ کتابی درباره امام دوازدهم شیعیان که به بررسی ۴۰ حدیث معتبر درباره مقام ایشان می‌پردازد. این کتاب با ترجمه روان و شیوای «جویا جهانبخش» از سوی انتشارات حروفیه راهی بازار شده است و در نهایت کتابی که تماشایی است و نه خواندنی را به خوانندگان روزنامه شرق پیشنهاد می‌کنم. چندی پیش برای مذاکره و گپ و گفت درباره کتاب غزلیات شمس که عباس کیارستمی عزیز مشغول کار روی آن است به خانه ایشان سری زده بودم که با هدیه‌ای مرا شگفت‌زده کرد. این هدیه کتابی بود از مجموعه عکس‌های عباس کیارستمی که با یادداشت‌هایی به دو زبان انگلیسی و عربی منتشر شده است. به نظرم بهترین ترجمه برای عنوان این کتاب در زبان فارسی، «درختها و زاغان» است. عکس‌های جذاب و گیرا که هر کدام می‌تواند برای مدت‌های مدیدی ذهن را درگیر خودش کند و بی‌نهایت تماشایی است. به هر حال وقتی کتاب خواندن عادت دیرینه و روزمره باشد دیگر به خاطر سپردن عنوان‌ها در گذر زمان دشوار می‌شود و کتاب خواندن عادت همیشگی و دیرینه من است. امیدوارم در همه ما ایرانیان این عادت نهادینه شود.

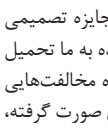

سکانس آخر

جک بائر جدید در راه است

هوارد گوردون فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده «۲۴» شخصیت اصلی سریال «افسانه‌ها» را جک بائر جدید می‌داند. به گزارش خبرآنلاین، سریال «افسانه‌ها» در مورد یک مامور سازمان سیا است. فیلمنامه قسمت اول و آزمایشی این سریال را مارک بامبک فیلمنامه‌نویس «آزاد زندگی کن یا سخت بمیر» نوشته است. بامبک به همراه گوردون و جاناتان لوین مردان پشت سر این سریال هستند. شبکه ان‌بی‌سی این فیلمنامه را از بامبک خریده است. داستان این سریال که در کمپانی فاکس قرن بیستم تهیه می‌شود در مورد یک مامور دولتی است که با اسامی مستعار، اسامی‌ای که به «افسانه‌ها» مشهور هستند، در ماموریت‌ها شرکت می‌کند. او می‌ترسد نام اصلی و هویت اصلی‌اش نیز یک «افسانه» باشد. فیلمنامه قسمت اول بر اساس رمانی به همین نام نوشته رابرت لیتل نوشته شده است.

احتمال برگزاری سالانه جایزه گلشیری قوت گرفت

ایسنا: فرزانه طاهری مدیرعامل بنیاد گلشیری گفت: «در صورتی که شرایط صدور مجوز و انتشار آثار داستانی بهتر شود، جایزه هوشنگ گلشیری سالانه برگزار می‌شود. دوسالانه برگزار شدن جایزه تصمیمی مقطعی بود که بنا به شرایط پیش‌آمده به ما تحمیل شد.» مدیرعامل بنیاد گلشیری درباره مخالفت‌هایی که با دوسالانه شدن جایزه گلشیری صورت گرفته، اظهار کرد: «تصمیم دوسالانه شدن جایزه ادبی هوشنگ گلشیری در شرایطی گرفته شد که داوران می‌خواستند با توجه به وضعیت انتشار آثار ادبی، برای مدتی جایزه برگزار نشود و علت این نظر آنها، تعداد اندک کتاب‌های داستانی‌ای بود که در طول سال منتشر می‌شد و همین سبب می‌شد کیفیت رقابتی جایزه و داوری آثار پایین بیاید و در واقع در انتخاب‌ها به کیفیت بالایی نمی‌رسیدند. نطفه این تصمیم از آنجا بسته شد و تصمیم گرفته شد به جای برگزار نکردن جایزه، آن را دوسالانه کنیم.» طاهری همچنین افزود: «این انتقادها و بحث‌ها درباره دوسالانه شدن جایزه در این شرایط که آثار داستانی بیشتری منتشر می‌شود، مطرح است و رفته‌رفته بعد از اتخاذ آن تصمیم، شاهد آن بودیم که تعداد کتاب‌های منتشرشده بیشتر شد، اما ما کار اجرایی دوسالانه شدن جایزه را از مدت‌ها پیش آغاز کرده بودیم و نمی‌توانستیم کار را به این شکل رها کنیم. معتقدم این انتقادها در این شرایط قابل قبول است، اما ما کار اجرایی را آغاز کرده‌ایم و امسال رمان‌های دو سال اخیر را بررسی می‌کنیم و سال آینده هم ناگزیر مجموعه داستان‌های دو سال را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در صورتی که روند صدور مجوز و انتشار آثار ادبی به همین نحو باشد و شرایط بهتری را شاهد باشیم، می‌توانیم در سال آینده، علاوه بر بررسی و داوری مجموعه داستان‌های دو سال اخیر، رمان‌های منتشرشده طی یک سال را نیز در رقابت شرکت دهیم.

خبر

تلاش سازمان ملل برای نجات ارومیه

ایسنا: معاون نماینده مقیم برنامه عمران سازمان ملل متحد با اشاره به اینکه میزان مواد مخرب آلاینده اُزن در ایران به صفر رسیده است، افزود: هر چند آمار نشان می‌دهد مناطق تحت پوشش جنگل‌ها در ایران افزایش پیدا کرده، اما در رابطه با کیفیت این جنگل‌ها بحث‌هایی مطرح است. «الزیرا ساگن بایوا» به موضوع دریاچه ارومیه و دریاچه پریشان اشاره کرد و گفت: باید مدیریت یکپارچه‌ای تحت نظارت سازمان حفاظت محیط زیست صورت گیرد و سازمان ملل متحد هم در تلاش است با اقدامات خود موجب ماندگاری این دو دریاچه شود.

وی در پاسخ به سوالی مبنی بر شاخص پیشرفت زیست‌محیطی در ایران گفت: موضوع مقابله با جنگل‌زدایی از اهداف کلی است که تا سال ۲۰۱۵ میلادی مد نظر قرار گرفته و هر چند آمار نشان می‌دهد مناطق تحت پوشش جنگل‌ها در ایران افزایش پیدا کرده، اما در رابطه با کیفیت این جنگل‌ها بحث‌هایی مطرح است. وی ادامه داد: وجود گاز CO_2 تنها مشکلی است که کشور ایران با آن روبه‌رو است، اما تا سال ۲۰۰۶ میلادی میزان گاز CO_2 در ایران نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه از چهار به شش تن افزایش یافته است. ساگن بایوا اضافه کرد: مواد مخرب لایه اُزن یکی از مواردی است که ایران توانسته این موضوع را به صفر برساند، یعنی به هیچ وجه این مواد در ایران وجود ندارد. وی با اشاره به اینکه ایران در نگهداری آب آشامیدنی روند رو به رشدی داشته است، افزود: یکی از موضوعاتی که در زمینه حفاظت محیط زیست وجود دارد ، بحث یوزپلنگ‌هاست که با مشکل پایش در این باره روبه‌رو هستیم. ساگن بایوا تاکید کرد: برخی گونه‌های نادر حیوانی و گیاهی در معرض خطر هستند که باید برای حفظ این تنوع زیستی تلاش کنیم. به گفته نماینده مقیم برنامه عمران سازمان ملل متحد، ایران در زمینه‌های زیست‌محیطی و کار زنان با مشکلاتی روبه‌رو است، به طوری که زنان تنها ۱۴ درصد از بازار کار را به خود اختصاص داده و نتوانسته‌اند به رتبه‌های مدیریتی دست یابند.

علیرضا سجادپور به تنهایی نماینده ایران در اسکار را انتخاب کرد

بدرود بغداد، سلام لس آنجلس

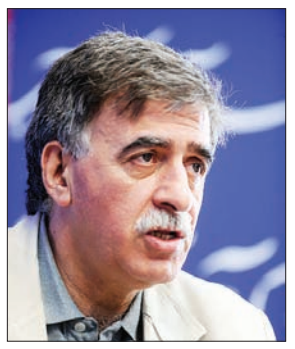

ادامه از صفحه اول

فعلاً هیچ‌یک از این موارد درباره فیلم «بدرود بغداد» عملی نشده است. اما سجادپور خبر از اکران سراسری این فیلم در یکی دو روز آینده داد و گفت: «ترتیب اکران فیلم در ایران و امریکا را در یکی دو روز آینده می‌دهیم تا قانون اکران آکادمی اسکار را پیاده کنیم. مساله اصلی معرفی نماینده ایران بود، باقی ماجرا و شرایط را در فرصت باقیمانده مهیا خواهیم کرد.»

خبری از توزیع‌کننده خارجی نیست

۱۳۴ هنرمند و عامل اجرایی سینما در حالی به آکادمی اسکار دعوت شدند که از سال ۲۰۰۶ تعداد اعضای رای‌دهنده آکادمی اسکار حدود شش هزار نفر ثابت مانده بود. اضافه شدن ۱۳۴ نفر به اعضای آکادمی، در کنار تصمیم عجیب آکادمی برای دوبرابرکردن تعداد نامزدهای بهترین فیلم، از تداوم تغییرات از اسکار حکایت دارد؛ تغییراتی که کار را برای فیلم‌های بخش خارجی دشوارتر می‌کند. در واقع به این ترتیب با گسترده شدن تعداد رای‌دهندگان نقش توزیع‌کنندگان فیلم‌های شرکت‌کننده در مراسم اسکار پررنگ‌تر می‌شود و فیلم‌هایی که توزیع‌کنندگان قوی‌تری دارند و سالن‌های بیشتری را در سراسر جهان به خود اختصاص می‌دهند شانس بیشتری خواهند داشت. رابطه توزیع‌کننده قوی در خارج از کشور و شانس راهیابی به لیست نامزدهای نهایی تجربه‌ای است که ایران یک بار از سر گذرانده است. «بچه‌های آسمان» ساخته مجید مجیدی تنها فیلم ایرانی که در این سال‌ها به لیست نامزدهای نهایی راه پیدا کرد از سوی کمپانی «میراماکس» توزیع شد. این در حالی است که «بدرود بغداد» هنوز توزیع‌کننده بین‌المللی ندارد. سجادپور در این باره گفت: «داشتن توزیع‌کننده خارجی شرط لازم نیست و بیشتر کمک‌کننده است و ما برای این بخش هم فکری خواهیم کرد.» سینمای ایران امسال روی فیلم‌هایی چون «طلا و مس» همایون اسعدیان، «پرسه در مه» بهرام توکلی، «بدرود بغداد» مهدی نادری و «شب واقعه» شهرام اسدی بیش از سایر آثار برای معرفی به اسکار حساب باز کرده بود تا شاید این بار شب برگزاری جوایز اسکار اهالی سینمای ایران نیز همانند کشورهایی که نماینده‌ای در این رقابت دارند، هیجان را تجربه کنند. اما ماجرای انتخاب نماینده ایران در اسکار پیچیده‌تر شده است. مدیر بخش بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی از معرفی فیلم «بدرود بغداد» به اسکار اظهار بی‌اطلاعی کرد. امیر اسفندیاری از پروسه انتخاب این فیلم اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: در جریان انتخاب «بدرود بغداد» نیستم. او در چند سال گذشته یکی از چهره‌های تاثیرگذار در هیات انتخاب نماینده ایران در اسکار بود.

ای کاش ظاهرسازی می‌کردند

همایون اسعدیان کارگردان طلا و مس درباره روند انتخاب نماینده امسال به اسکار معتقد است: «ای کاش حداقل مدیران همچون گذشته ظاهرسازی می‌کردند و این‌گونه به شعور اهل سینما توهین نمی‌شد.» کارگردان «طلا و مس» درباره بحث انتخاب فیلم ایرانی به اسکار اظهارکرد: من از مدت‌ها قبل می‌دانستم که دوستان فیلمی را به سلیقه خود انتخاب می‌کنند، اما حداقل امیدوار بودم این بار هم ظاهرسازی کنند و مانند گذشته ظواهر را حفظ کنند اما گویی این بار دوستان مدیر، حتی نیازی به حفظ ظاهر هم ندیدند و این شیوه انتخاب نوعی توهین به شعور اهالی این حرفه محسوب می‌شود. وی یادآور شد: این دوستان تا چندی پیش از هیاتی ۹ نفره برای انتخاب فیلم‌ها صحبت می‌کردند اما بعد گویی با خودشان به این نتیجه رسیده‌اند که نیازی به هیات متخصص نیست و به دلیل آنکه آقایان شمقدری و میرعلایی در سفر هستند، خود آقای سجادپور به تنهایی می‌توانند نماینده ایران را انتخاب کنند. این کارگردان در بخش دیگری از صحبت‌هایش به مصاحبه هفته گذشته مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی اشاره کرد و افزود: آقای آقامحمدیان در آن مصاحبه اظهار امیدواری کرده بودند فیلم «بدرود بغداد» که از تولیدات مرکز است، نماینده ایران در اسکار باشد. ظاهراً ایشان تا پیش از مصاحبه نمی‌دانستند که برای حضور یک فیلم در اسکار لازم است آن اثر اکران شده باشد و بعد از اینکه از این موضوع اطلاع یافتند به سرعت مصاحبه دیگری انجام دادند و گفتند در زمان باقیمانده این فیلم را اکران خواهند کرد. حتی در آن مصاحبه گفته بودند با توجه به اینکه این فیلم یک فیلم فرهنگی است، نیازی به اکران گسترده آن هم نیست.

سلیقه‌ها جای همه چیز را گرفته

«بعد کارشناسی از بین رفته و سلیقه‌ها جایش را گرفته است.» مازیار میری کارگردان سینما با اشاره به این نکته درباره روند انتخاب فیلم به اسکار گفت: «ما در این سال‌ها عادت کرده بودیم و باور داشتیم که انتخاب یک اثر سینمایی برای معرفی نماینده ما به اسکار طبق یک کارشناسی که معمولاً از طرف فارابی سابقه حضور بین‌المللی فیلم‌ها و مضمون و ملی بودن آنها را بررسی می‌کرد، اتفاق می‌افتاد.» وی در عین حال گفت: درباره «بدرود بغداد» و توانایی‌ها و شایستگی‌های آن نمی‌خواهم حرف بزنم اما طبق اعلام مدیرعامل فارابی قرار بود ۹ کارشناس در شورا، فیلم را از میان فیلم‌های اکران‌شده در طول سال انتخاب کنند. نمی‌دانم چگونه می‌شود به یکباره یک نفر تصمیم می‌گیرد چه فیلمی به اسکار برود، اینجاست که ناخواسته متوجه می‌شویم، کارشناسی از بین رفته و سلیقه‌ها جایش را گرفته‌اند.

این انتخاب از روی قاعده نیست

علی معلم تهیه‌کننده و منتقد سینمایی درباره انتخاب نماینده امسال اسکار گفت: برای معرفی فیلم به اسکار باید تصمیم کارشناسانه صورت گرفته باشد اما اگر این انتخاب بدون تشکیل کمیته‌های متخصص سینمایی باشد، اصلاً جالب نیست که موضوعاتی که نیازمند کارشناسی هستند به شیوه مدیریتی و با اعمال نظر مدیران بررسی شوند. او با اشاره به عدم اکران فیلم «بدرود بغداد» در ایران با توجه به مقررات اسکار اظهارداشت: به نظر می‌رسد دوستان مقررات اسکار را نمی‌دانند. به هر حال لازم بود امسال هم کمیته‌ای از سینماگران به انتخاب و کارشناسی فیلم‌ها بپردازند و مانند سال‌های قبل همه چیز شفاف و مشخص باشد، اما به نظر می‌رسد امسال سیاست دیگری حاکم است. وی در عین حال گفت: انتخاب فیلمی که به اکران درنیامده برای اسکار خیلی از روی قاعده نیست، چراکه همان طور که گفتم باید این فیلم اکران عمومی شده باشد. من نمی‌دانم دوستان اصلاً از بین چه فیلم‌هایی به انتخاب پرداخته‌اند و آیا فیلم دیگری هم در این رقابت بوده است یا خیر؟ یا اینکه این فیلم پخش‌کننده خارجی دارد یا نه؟ در کل به نظر می‌رسد تصمیمی عجولانه گرفته شده است. معلم درباره ارزیابی‌اش از فیلم «بدرود بغداد» به عنوان نماینده سینمای ایران در اسکار گفت: متاسفانه من این فیلم را کامل ندیده‌ام و نمی‌توانم نسبت به کیفیت آن نظر بدهم.

تفاوت دو جهان: **کشف آثار مسروقه موزه ملی عراق در ساختمان نخست‌وزیری**

ماجراهای جدید آقای مالکی

مانی فراهانی

به دنبال حمله نیروهای امریکایی به عراق و اشغال این کشور در بهار سال ۲۰۰۳، بیش از ۱۵ هزار قطعه هنری از موزه‌های مختلف بغداد غارت شد. تاراج موزه عراق باستان، که در حضور و زیر چشم سربازان امریکایی صورت گرفت، یکی از رسوایی‌های بزرگی بود که انتقادات فراوانی را برانگیخت. بسیاری از سازمان‌ها و مقامات فرهنگی، نیروهای امریکا را متهم کردند که در حفاظت از بانک‌ها و چاه‌های نفت عراق کوشا هستند، اما در حفاظت از آثار فرهنگی عراق جدیت نشان نمی‌دهند. به دنبال اعتراضات همه‌جانبه و با تلاش دولت عراق و همکاری سازمان‌های بین‌المللی، تاکنون حدود ۸۵۰۰ قطعه یعنی بیش از نیمی از این آثار به عراق برگشت داده شده است. اکنون و پس از گذشت هفت سال از سقوط بغداد رد برخی از اشیای مسروقه موزه ملی عراق در دفتر نوری المالکی نخست‌وزیر عراق یافت شده است. به گفته «قهتان الجبوری» وزیر جهانگردی و آثار باستانی عراق، ۶۳۸ قطعه از آثار باستانی مفقود شده در انبار ساختمان نخست‌وزیری پیدا شده است. الجبوری افزوده است آثار باستانی در جعبه‌های سربسته‌ای زیر وسایل آشپزخانه، پنهان شده بودند. این آثار توسط اداره گمرک امریکا کشف و بنا به درخواست سفارت عراق در امریکا مدتی قبل از سوی ارتش امریکا بدون هیچ آسیبی به بغداد و به دفتر نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق، تحویل داده شد اما از آن تاریخ به دلایل نامشخص به موزه ملی تحویل داده نشده است. وزیر جهانگردی و آثار باستانی عراق ضمن ابراز قدردانی از اداره گمرک امریکا افزود نخست‌وزیر عراق کمیته‌ای را جهت رسیدگی به

علت تاخیر در تحویل این آثار به موزه ملی عراق، تشکیل داده است. به گفته کارشناسان در میان قطعات مسروقه از عراق، آثاری هست که قدمت آنها به بیش از دو هزار سال می‌رسد. علاوه بر آثار عتیقه موزه‌ها، آثار بسیاری نیز در جریان حفاری‌های غیرقانونی در نواحی گوناگون عراق به سرقت رفته است. به گفته برخی رسانه‌های عراقی، علاوه بر دلالان و